

شرق

روزنامه

عروس و دامادی بدون برگزاری مراسم عروسی با حضور در بیمارستان واسعی سبزوار با اهدای گل از کادر درمان تشکر کردند. عکس: محمد حشمتی، میزان



آکادمی

معیارهای دوگانه ارائه توصیه‌های پزشکی در ایران



امیر شعبانی*

چندی است بحث جایگاه و کارایی طب سنتی در رسانه‌های کشور مطرح شده است. این موضوع به‌ویژه از این منظر برای برخی از پزشکان برجسته بود که در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ در میان توصیه‌های علمی، موجی از توصیه‌های غیرعلمی نیز به‌سوی مردم سرازیر و حتی گاه از رسانه‌های رسمی کشور منتشر شد. این امر علاوه بر سردرگم‌کردن مردم، می‌توانست اعتماد آنها را به آموزش‌های علمی رسانه‌های رسمی مخدوش کند؛ اعتمادی که در جریان بحران‌ها برای مهار شرایط حاد بسیار مورد نیاز است و بدون آن امکان موفقیت به‌شدت کاهش می‌یابد. می‌دانیم که اعتماد عمومی به متولیان سلامت مردم از عوامل تعیین‌کننده در تشویق مردم به پیروی از روش‌های پیشگیرانه از بیماری‌هاست و سلب اعتماد عمومی تبعات ناگواری در پی خواهد داشت. این

بحث عمدتاً به‌دنبال نامه جمعی از مسئولان انجمن‌های پزشکی به وزیر بهداشت (ایرنا، چهارم مهر ۱۳۹۹) پیش آمد. در آن نامه، واحد درسی و رشته تخصصی طب سنتی فاقد زمینه علمی کافی برای ارائه به شکل کنونی در دانشگاه‌ها دانسته شد و دفاع از طب سنتی موکول به فراهم‌آوری داده‌های کافی علمی شد. در این یادداشت به جنبه‌هایی از این موضوع می‌پردازم.

در دهه‌های اخیر، رویکردی برای

سنتی به‌کارگیری طب مبتنی بر شواهد (EBM)

در طب سنتی ایران و دانشکده‌های طب سنتی را ضروری می‌دانند. در همین مطالعه، اشاره شده که منابع این رشته به تصحیح و به‌روزشدن نیاز دارد و افزودن EBM به محتوای همه دروس این رشته ضروری است. برای آنکه طبی که اکنون نام ایرانی/ سنتی بر خود دارد بتواند در پزشکی روزمره ادغام شود و مورد پذیرش جوامع علمی کشور قرار بگیرد، باید تکلیف خود را با پزشکی مبتنی بر شواهد روشن کند. این بخش از پزشکی نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از تایید جوامع علمی پزشکی کشور بداند. بخشی از طب ایرانی/ سنتی به توصیه‌هایی برای پیشگیری و درمان بیماری‌های مغزی می‌پردازد. در این صورت، آیا بر اساس «رویکرد پزشکی مبتنی بر شواهد»، نظر جامعه علمی نورولوژی درباره این بخش از طب ایرانی/ سنتی اهمیتی ندارد؟ بی‌تردید باید داشته باشد. پس آیا جایگاه و اولویت توصیه‌های این طب در مقایسه با توصیه‌ها و روش‌های مرسوم مبتنی بر شواهد در رشته نورولوژی مشخص شده است؟ پاسخ منفی است؛ برای نمونه، آیا مثلاً تجویز یک درمان سنتی برای فرد دچار بیماری اپیلهسی (صرع)، هنگامی که جایگاه آن در سلسله‌مراتب درمان‌های مورد تایید جوامع علمی نورولوژی مشخص نیست یا اصولاً جایگاهی ندارد، اقدامی حرفه‌ای یا درست است؟ همین پرسش درباره تجویز یک درمان سنتی برای

رفع مشکلات مرتبط با روان در فرد دچار اختلال روان‌پزشکی نیز صادق است. هنگامی که سطح شواهد برای درمان «اختلال افسردگی ماژور» با داروهای ضدافسردگی یا با روان‌درمانی‌های خاص مشخص شده و بر اساس قوی‌ترین شواهد علمی، این روش‌ها بهترین درمان‌ها برای این اختلال تلقی می‌شوند، آیا به‌کارگیری درمان سنتی، بدون مشخص‌بودن سطح شواهد آن در قیاس با روش‌های مذکور اقدامی حرفه‌ای یا درست است؟ در شرایطی که جایگاه هریک از درمان‌های سنتی در قیاس با بهترین درمان‌های موجود روشن نیست، فردی که آنها را به مردم توصیه می‌کند چگونه باید درمان مورد نظرش را ارائه کند؟ او واقعاً نمی‌داند درمان سنتی او در اولویت چندم است. نمی‌داند درصورتی‌که این شیوه درمان به‌جای روش اصلی به کار رود، به نفع بیمار خواهد بود یا به ضرر او. او نمی‌داند میزان هزینه-اثربخشی روش او نسبت به شیوه رایج که قیق‌ترین مطالعات فعلی آن را بهترین دانسته‌اند، بالاتر است یا پایین‌تر. این قیاس از اهمیت منطقی و حرفه‌ای برخوردار است.

جوامع علمی از پس تاریخی طولانی بر سر معیارهایی اجماع کرده‌اند که بهترین راه‌حل درمان را تا آنجا که دانش بشری تحصیل کرده، نشان می‌دهد. بر این اساس ما نمی‌دانیم روش‌هایی که تن به چنین ارزیابی و مقایسه‌ای ندهادند سودمندترند یا زیان‌بارتر؟ آیا نتایج آنها دارای پایایی مورد قبول است؟ آیا از روایی مورد پذیرش برخوردار است؟ بدیهی است

در بررسی‌های داوری‌شده به تایید جوامع علمی برسند، در رویکرد جدید قابل استفاده خواهند بود. همان‌طورکه برخی از داروهای گیاهی این فرایند را طی کرده و در راهنماهای بالینی جایگاهی برای خود یافته‌اند. بااین‌حال منظور از بررسی علمی تنها انجام چند کارآزمایی بالینی نیست. گذشته از محدودیت‌های این نوع از مطالعات، نتایج کارآزمایی‌ها اغلب تنها اثربخشی (efficacy) را نشان می‌دهند و ارزیابی کارایی عملی (effectiveness) موضوع دیگری است. نهایت نتایج این کارآزمایی‌ها پس از جمع‌بندی توسط محققان و صاحب‌نظران، در صورت تایید وارد راهنماهای بالینی می‌شوند و در سلسله‌مراتب راهکارهای علمی مورد قبول قرار می‌گیرند. در این مرحله است و پزشک متعهد به رویکرد مبتنی بر شواهد، سطوح بالاتر این مراتب را در اولویت خود قرار می‌دهد و سطوح پایین را با وجود علمی و مورد قبول بودن، مگر در شرایطی خاص، از اولویت خارج می‌کند. با توجه به رواج رو به افزایش ارائه توصیه‌های طب سنتی به مردم در رسانه‌های کشور، چگونگی پاسخ به پرسش‌های یادشده می‌تواند برای مشخص‌کردن اهالی علم کمک‌کننده باشد. با نگاهی به این عرصه، اکنون معیارهای ارائه توصیه‌های پزشکی در ایران دوگانه است و جوامع علمی باید مسیر متمایز خود را آشکار کنند.

♦ **دبیر انجمن علمی روان‌پزشکان ایران**

زباده‌خواهان، هر دو گستره آماج چنگ‌اندازی از این سو و آن سوی جهان بوده‌اند. ولی آیا ما همواره در کنار و با هم بوده‌ایم؟ آیا رویکرد برابری و بالندگی‌ها یکدیگر را به فرزندنامان آموخته‌ایم؟سال‌هاست به‌ویژه درپی جنگ سرد شوروی با آمریکا که آتش و کشتار و ویرانی در خاک افغانستان را دامن می‌زد، شمار زیادی از مردمان این دیار کهن، شهروندان شهرها و روستاهای ایران شده‌اند. بسیاری از ایشان از رنج‌هایشان نگفته‌اند و برخی چالش‌ها در دوره‌هایی رخ داد. گرچه از ایشان کارگران بیشتر شناخته شدند، ولی جامعه دانش‌آموختگان دانشگاهی، متخصص، هنرمند و ایده‌پردازان افغانستانی پرکار و پرامید و پویا بالنده شده است. پیشینه دانشگاهی افغانستان به امروز واکنون و فرصت آموزش در دانشگاه‌های ایرانی وابسته نیست، بلکه دهه‌ها پیش از چیرگی تندروها و ستیزه‌جویان، دوران روشنی از گسترش آموزشی و پژوهشی تجربه شده است. پوهنتون (دانشگاه) کابل یکی از برجسته‌ترین نهادهای دانش‌پژوهی و جامعه‌سازی فرهنگی افغانستان و کشورهای حوزه نوزو به شمار می‌رود. افغانستان و کشورهای حوزه نوزو به هم‌پایه‌ای ازاین‌رو می‌توان دریافت چرا بیش و پیش از هر نهاد دیگری آماج (هدف) ویرانگری تندروهایی در پوشش بی‌کرمی طالبان و گروهک داعش که از آن سوی جهان راهبری می‌شوند، بوده است. داعش در پوششی

سلام به فردا

سوگ مسلمانان، جشن داعش



الهام فخاری

به نام دین جشن مسلمانان را به سوگ می‌نشانند. نهاد دانش‌پژوهی را به خون می‌کشد و اسلحه‌های ساخته دگرستیزان نامسلمان را برای کشتن مردم به کار می‌گیرد. درست هنگامی که تدروی‌ها و بدکرداری‌هایی در سوی دیگر جهان هم رخ داده‌اند، گویی اهریمن باز هم مردم پرنرج‌زیسته خاورمیانه را به خاک و خون می‌کشانند. گرچه آشخوَر ریشه‌های این چالش و ماجراهایی که یک روز لباس طالبان بر تن دارد و روزی نام داعش بر خود می‌نهد، جایی میان اسلحه‌سازان و زورمندان است ولی شورویخانه کنشگران میدان از درون جامعه بومی برخاسته‌اند. این خطری است که همه ما در این گستره‌های سرزمینی باید درباره آن هوшіار باشیم. ویران‌کردن نهادهای فرهنگ‌ساز و جامعه‌پذیرکننده مانند دانشگاه، نیاپشگاه و انجمن‌های فرهنگی و هنری و سازمان‌های مردم‌نهاد روشی اهریمنی و البته دیرینه است. دانشگاه که ویران شود، آسان‌تر می‌توانند جوانان را به یغما ببرند و سرمایه انسانی و اجتماعی را در آتش نابخردی بسوزانند. شش ساعت درگیری و کشتار در دانشگاه، نمودی نمادین از دشواری در پیشبرد اصلاح و بهبود در خاورمیانه و کشورهای حوزه نوزو را به رخ می‌کشد. آگاهی، بهبود و بالندگی، دشمنان زیادی دارد و زورمندان

جهان نمی‌خواهند مردمان برابر و آرام زندگی کنند. برای دستیابی به هدف‌هایشان هم از کورن ملت‌ها یاریگیری می‌کنند و بر نیاِزها، گروه‌ها و کاستی‌های شخصیتی افراد سوار می‌شوند. در این روزها و با این رخداد‌های تلخ ما فراتر از هم‌زبانی، همدلی پیشه کنیم و با همه دشواری‌هایی که داریم نگذاریم جامعه افغانستان تنها انگاشته شود. مبارزه با نادانی، خونریزی، نابخردی و ویرانگری را وظیفه همگانی خود بدانیم و از دانشگاه در هر کجا که باشد به‌مثابه پایگاه همیشگی دانش‌پژوهی، آگاهی و آزادی‌خواهی پاسداری کنیم. پاس‌داشت دانشگاه تنها به برپاماندن روندهای اداری یا ساختمان‌ها نیست. کارکرد دانشگاه برای ما خاورمیانه‌ای‌ها تاریخ‌ساز بوده است و ما را به هم بهتر پیوند می‌دهد. در این رویداد سخت خود را با مسئله دانشگاهی و مردم افغانستان در سوگ همدل می‌دانیم. آگاه هستیم که اداره‌کردن پایتختی همچون کابل با همه فرصت‌ها و تهدیدهایی که دارد، بسیار دشوار است ولی دیدگان پرامید و شوق‌دوستان افغانستانی‌مان، از جمله شهردار مضمم و متخصص کابل، برای ساختن زندگی بهتر و برابر را که به یاد می‌آورم، آفتابی روشن برای رویش و بالندگی می‌یابم. ما می‌توانیم با هم و در کنار هم اهریمن را برانیم و جهانی بهتر بسازیم. ما، اگر با هم باشیم.

پرنده آبی

تضادها و تقابل‌های آمریکای ۲۰۲۰

متهم شده و حتی یک دیوار از دروغ‌های او در مرکز شهر نیویورک ساخته شده است. باراک اوباما برای حمایت از باین دست به کار شده و ویدئوی تماس‌های تلفنی او برای ترغیب مردم به رای‌دادن به باین که وایرال هم شده از سوی کاربران ایرانی با ویدئوهای انگیزشی محمد خاتمی برای حمایت از کاندیداهای اصلاح‌طلب مقایسه شده است. ازاین‌رو بسیاری در روز گذشته به شوخی به اتفاقات آمریکا و ایران سال ۸۸ پرداختند و برخی حوادث احتمالی در آمریکا را پیش‌بینی کردند. به‌جز این مسئله کاربران ایرانی هم به تولید محتوای آموزشی درباره انتخابات آمریکا و سازوکار آن پرداختند. در این روزها دیگر همه تقریباً از کالج‌الکترال و جزئیاتش خبر دارند. مسئله بربحث دیگر در میان کاربران توئیتری

اشاره به این مسئله بود که چرا انتخابات آمریکا باید برای ایرانی‌ها مهم باشد و بر زندگی‌شان مؤثر! از دیگر موضوعات پرچالش در میان کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی مسئله احتمال مذاکره در صورت برنده‌شدن هریک از طرف‌های انتخابات بود؛ چراکه هم ادعای ترامپ بر اینکه در صورت پیروزی اولین تماس او از سوی ایران خواهد بود و هم سابقه مذاکره ایران و آمریکا در برجام در گذشته، چراکه بایند حال‌وروز امروز ایران با توافق شده تا بسیاری منتظر سرانجام ماجرای روابط ایران و آمریکا در پایان سال ۲۰۲۰ باشند. علاوه بر همه اینها، حساب‌های کاربری ایرانی‌های ساکن آمریکا که پوشش اخبار انتخابات و مشاهدات عینی خود را بیان می‌کردند هم از پرتفره‌اترین حساب‌های کاربری این روزهای شبکه‌های اجتماعی بود.

حق‌بان

معمای بی‌پایان ریاست‌جمهوری زنان



ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری

● انتخابات ریاست‌جمهوری تنها صحنه انتخاباتی کشور است که در آن شش نامزد در سطح کشور در بوته آزمون قرار می‌گیرند. از سوی دیگر به دلیل اثرگذاری سیاست‌های دولت بر شئون مختلف زندگی مردم، فضایی متفاوت با دیگر آوردگاه‌های سیاسی دارد. بماند که در گزینش سه رئیس‌جمهور آخر، نتیجه غیرقابل پیش‌بینی بود و موافقان و مخالفان همه غافلگیر شدند! اما قسه برعصه هر دوره، اجرای ریاست‌جمهوری زنان است و این پرسش که سرانجام زنان «رجال» محسوب خواهند شد؟ اینکه کلمه «رجال» مندرج در اصل ۱۱۵ در معنای لغوی، یعنی مردان، به کار رفته یا اصطلاحاً به مفهوم شخصیت‌هاست، به تفسیر نیاز دارد. طبق اصل ۹۸ قانون اساسی، تفسیر این قانون با شورای نگهبان است. این شورا هنوز تابع ایران باشد؟! اما در بررسی‌های بعدی متن اولیه بی‌تغییر نماند.

صبح ۲۰ آبان ۱۳۵۸ موضوع شرایط رئیس‌جمهور در قالب اصل ۸۸/۱ در مجلس خبرگان قانون اساسی به بحث گذاشته می‌شود. متن این بود: «رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن، مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران، مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد». آیت‌الله بهشتی پس از قرائت قبل، بلافاصله متن دیگری را به‌عنوان پیشنهاد می‌خواند: «رئیس‌جمهور باید از بین رجال دینی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد؛ ایرانی‌الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن، حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی باشد». آیت‌الله منتظری در موافقت با قید «مرد» عنوان می‌کند: «اما راجع به مسئله مربوطون ما مسلمات اسلام را نمی‌توانیم کنار بگذاریم و از طرفی نمی‌خواهیم به خواهران خودمان جسارتی شده باشد... در مسئله حکومت و ولایت ما اشتباه می‌کنیم که خیال می‌کنیم حق است. این مسئله وظیفه و مسئولیت است...». در ادامه خاتم منیره گرجی (تنها زن حاضر در مجلس خبرگان) به مخالفت برمی‌خیزد: «به نظر من اصلاً این قید لازم نیست، زیرا با توجه به اینکه اگر احیاناً زن‌ها به این مرحله از تکامل و پویایی برسند، باز در مرتبه برهیت و امامت نیستند، بلکه یک قدرت اجرایی است که از طریق رهبری اگر لیاقتش را داشته باشند... می‌توانند احراز کنند... قدرت سیاسی زن را اسلام امضا می‌کند».

در پایان جلسه صبح، اصل ۸۸/۱ به رأی گذاشته می‌شود که از ۶۸ رأی اخذشده، ۴۷ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع است، درحالی‌که عده کل حاضر ۶۲ نفر است! نتیجه باطل اعلام می‌شود. در ابتدای جلسه عصر همان روز، اصل ۱۱۵ کنونی با این عبارت‌بندی «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد؛ ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدبر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور»، به رأی گذاشته شد. این متن با ۵۲ رأی موافق، چهار رأی مخالف و چهار رأی ممتنع به تصویب می‌رسد. دکتر حسین مهرپور، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، در کتاب «حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران»، انتخاب کلمه «رجال» را صرفاً رعایت مصلحت مقطعی مملکت و نه رعایت اصل شرعی ممنوعیت زن از حکومت می‌داند؛ اما به نظر می‌رسد هدف از به‌کاربردن این کلمه دوپهلو، اختصاص این سمت به مردان در عین جلوگیری از موج اعتراضات زنان و احتمال کاهش حضور آنان و در نتیجه تصویب قانون اساسی با نصاب لازم برای تصحیص رِجل سیاسی، مذهبی و مدبر و مدیربودن نامزدهای ریاست‌جمهوری توسط شورای نگهبان؛ اما این شورا تاکنون در این خصوص اقدامی نکرده است. سرانجام این هفته مجلس شورای اسلامی کلیات طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری را به تصویب رساند. در اصلاحیه ماده ۳۵ یکی از شرایط نامزدی، «داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت دائم قانونی» است. جالب اینکه در موارد مشابه مانند قوانین استخدامی، بلافاصله پس از الزامی‌بودن کارت پایان خدمت، قید می‌شود این شرط مخصوص مردان بوده که در اینجا چنین قیدی وجود ندارد. اگر طرح نهایی شود، این ابهام ظاهری برای همیشه پایان می‌یابد.